

مقایسه ی معماری مساجد بلوچستان ایران با مساجد دوره ی تیموریان هند

دکتر داود صارمی نایینی

چکیده

مقاله ی حاضر، حاصل برنامه‌ای پژوهشی (میدانی، کتابخانه ای) است که با نگرشی کلی، به مساجد بلوچستان می‌پردازد. جایگاه بلوچستان در مطالعات هنر اسلامی ایران تاکنون، ناشناخته مانده است. مساجد بلوچستان دارای شاخصه‌های هنری زیادی در زمینه ی معماری، عناصر و تزئینات وابسته است. بیشتر مساجد شناسایی شده، دارای عظمت و شکوه چندانی نیستند و از نظر قدمت نیز، اکثر آن‌ها متعلق به سده‌های متأخر دوره اسلامی هستند؛ اما شاخصه‌هایی ارزشمند از نظر معماری و تزئینی دارند؛ این ویژگی‌ها عملاً نشانگر فرهنگ خاص بلوچستان هستند. مطالعه دقیق تر این شاخصه‌های هنری در معماری اماکن مذهبی، تأثیرپذیری آن‌ها را از مناطق همجوار شرقی، به خصوص شبه قاره ی هند در دوره ی تیموریان بزرگ، روشن می‌کند. از سوی دیگر، این شاخصه‌ها تحت تأثیر فرهنگ و معماری فلات مرکزی ایران نیز بوده است. در این مقاله تلاش شده تا با بیان اشتراکات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی میان دو منطقه (بلوچستان ایران و شبه قاره هند)، چگونگی تأثیرپذیری این آثار در تزئینات و برخی از عناصر معماری همچون گنبد و مناره بررسی شود.

کلید واژه‌ها: مسجد، معماری، بلوچستان، ایران، شبه قاره ی هند.

*Email: d_Saremi@arts.usb.ac.ir

استادیار گروه هنر و باستان شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۲۶

مقدمه

بلوچستان از مناطق بسیار مهم ایران از نظر فرهنگی و باستان‌شناسی است که با وجود مطالعات سال‌های اخیر، هنوز بسیاری از عناصر آن ناشناخته باقی مانده است. شاید بتوان دلایل عدم شناخت این منطقه را، اطلاعات ناکافی از زمینه‌های تمدنی آن، دوری از مرکز و عدم انجام مطالعات گسترده ی علمی و... برشمرد. مطالعاتی که اخیراً به وسیله ی مراکز علمی و دانشگاهی منطقه انجام شده، تا حدودی به معرفی و شناخت آثار و بناهای بلوچستان کمک کرده است؛ هرچند همچنان جای تلاش بیشتر، به ویژه در زمینه ی مطالعات باستان‌شناختی، وجود دارد. اگرچه در تحقیقات به ارتباطات و مشابهت‌های فرهنگی و تجاری بین مناطق جنوب شرق ایران و بخش‌هایی از شبه قاره هند از جمله دره ی سند، دره‌زاره‌های قبل از اسلام (با توجه به مطالعات باستان‌شناختی) اشاره شده است، این نوشتار سعی دارد که به چگونگی مشابهت‌های فرهنگی در دوره ی اسلامی (در سده های متأخر) با تکیه بر مساجد و عناصر وابسته به آنها، و به شیوه ی میدانی و هم‌اکنونی منابع معتبر مکتوب و داده‌های باستان‌شناختی بپردازد.

در نخستین گام، پس از مشاهده ی برخی از مساجد معروف بلوچستان، تشابهات این مساجد با نمونه‌های مهم و بزرگ سرزمین‌های شرقی ایران به خصوص شبه قاره ی هند، ضرورت افزودن به جامعه ی آماری تحقیق را برای رسیدن به نتیجه ی بهتر در رابطه با سؤال اصلی تحقیق یعنی ریشه یابی عناصر وابسته به معماری مساجد بلوچستان و برهمکنش آنها در سرزمین‌های همجوار شرقی، مشخص کرد و همین انگیزه باعث شد مساجد بیشتری در بلوچستان مطالعه شوند. برای این منظور نمونه‌های مورد مطالعه از مناطق ساحلی دریای عمان، بخش‌های مرکزی مانند نیکشهر و ایرانشهر و همچنین نمونه‌های اندکی از مناطق شمالی بلوچستان انتخاب شد.

پیشینه ی تحقیق

بیشترین اطلاعات موجود از وضعیت بلوچستان در دوره ی اسلامی براساس کتب جغرافیدانان و همچنین نوشته‌های مورخان و سفرنامه‌ها است؛ مانند حدودالعالم، نزهت القلوب نوشته

عبدالله مستوفی در سال ۷۴۲ هجری قمری، المسالک و الممالک نوشته ابن حوقل، مرآت البلدان نوشته محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، احسن التقاسیم فی معرفت الاقالیم نوشته المقدسی، تاریخ ایران نوشته ژنرال سرپرسی سایکس و... که در برخی از آن‌ها اطلاعات بسیار اندکی ارائه شده است. علاوه بر این تنها کار باستان شناسی مربوط به دوره اسلامی در تپه بمپور به سرپرستی سجادی در اوایل دهه هشتاد صورت گرفت که بیشتر اطلاعات به دست آمده از آن، مربوط به داده‌های فرهنگی دوره ی اسلامی منطقه است اما در خصوص مقایسه ی معماری مساجد بلوچستان ایران و هند تا کنون تحقیق مستقلی انجام نشده است.

معماری مساجد بلوچستان و تقسیمات آن

بر اساس کتب نویسندگان صدر اسلام، فتح بلوچستان در سال نود و دو هجری اتفاق افتاد. مسعود بن محمود غزنوی بلوچستان را متصرف شد و از اقوام خود، یکی را به ولایت آنجا گماشت. صاحب حدود العالم در مورد «تیز» (یکی از شهرهای مهم دوره ی اسلامی در ساحل مکران) اشاره دارد که "تیز نخستین شهری است که از حدود سند بر کران دریای اعظم نهاده، جای کم سیری (گرمسیری) است." (سید سجادی، ۱۳۷۴: ۳۳)

در منطقه ی جنوب شرق ایران تحولاتی، متناسب با سایر نقاط ایران در دوره ی اسلامی اتفاق افتاد و اسلام در این منطقه نیز، باعث شکل گیری فرهنگی با جلوه‌های خاص خود شد. بلوچستان به دلیل شرایط مرزی اش، دارای نشانه‌های فرهنگی ویژه‌ای نسبت به سایر نقاط ایران شده است که این موضوع با دقت در معماری منطقه، قابل فهم است. به منظور معرفی عناصر تزئینی مساجد بلوچستان، ابتدا نگارندگان به تقسیم بندی مساجد بر حسب نوع معماری پرداخته و سپس، به تفکیک، عناصر تزئینی هر کدام را مورد بررسی قرار داده اند.

۱- معماری خشتی: برای این نوع معماری، از مصالح خشت و ملات گل استفاده شده است و عناصر تزئینی بکار رفته در این گونه معماری، شامل قاب بندی گل و گل‌بری و استفاده از چینش خاص خشت‌ها برای ایجاد عناصر تزئینی است. این گونه تزئینات در منطقه ی سرباز، بیشتر از سایر مناطق بلوچستان مشاهده شده است.

۲- معماری با مصالح گیاهی (یا اصطلاحاً معماری کپری): این گونه معماری، شیوه ی غالب در روستاهای منطقه است و تقریباً در تمام بلوچستان دیده می شود. این شیوه یکی از بهترین روش های اتخاذ شده به وسیله ی مردم بلوچ به منظور سازگاری بهتر با محیط و امکانات و همچنین شیوه ی زندگی آن ها است.

۳- معماری با مصالح مدرن: این گونه معماری در جریان پیشرفت های امروزی، جای معماری سنتی را در شهرها گرفته است؛ ولی در روستاها کمتر به آن توجه شده است. البته در این روش، ساخت برخلاف دو گونه ی قبل با پیچیدگی بیشتری انجام می شود؛ ولی عناصر بسیاری از فرهنگ اقوام بلوچ را در خود متجلی کرده است. برای نمونه، عناصر تزئینی مساجدی که با مصالح امروزی و به روش مدرن ساخته شده اند، کاملاً متناسب با فرهنگ بومی طراحی شده و دارای تزئین بسیار زیادی هستند. این عناصر تزئینی، دارای ریشه ای کهن از سده های میانی اسلامی هستند که معرفی، مقایسه و ریشه یابی این عناصر مورد نظر است.

نگاهی اجمالی به وضعیت طبیعی و جغرافیایی بلوچستان

سرزمین وسیعی که فلات ایران نامیده می شود، ناحیه ای است کوهستانی و بیابانی که ایران و افغانستان و قسمت غربی پاکستان را دربرمی گیرد.

موقعیت جغرافیایی فلات ایران در طول تاریخ همواره هم چون پلی، بین شرق و غرب عمل می کرده و همین امر باعث تأثیر گذاری و تأثیر پذیری فرهنگی از هزاره های گذشته تا کنون شده است. بلوچستان در جنوب شرقی فلات ایران یکی از مسیرهای برخوردار از این تأثیر و تأثر بوده است که به همین خاطر فرهنگ های آن تحت شرایط مرزی، با فرهنگ های غرب و شرق به طور همزمان آمیخته شده است. (تصویر شماره ۱)

استان سیستان و بلوچستان حدود ۱۸۱۵۷۸ کیلومتر مربع وسعت دارد که «بخش وسیع تر آن یعنی بلوچستان، سرزمینی پهناور، خشک، کم درخت، نزدیک به کویر و کم جمعیت است و در نتیجه، کشاورزی نیز در آن رونقی ندارد. در بخش هایی از آن که چراگاه های مناسب دارد، دامداری به صورت طبیعی ترین کار بلوچ های ساکن منطقه درآمده است. در

ساحل، ماهیگیری از دیگر فعالیت بلوچ‌ها به شمار می‌رود. (سید سجادی، ۱۳۷۴: ۱۳۱) از لحاظ اقلیمی، نواحی شمالی و شمال‌غرب استان، گرم و خشک کویری است و در غرب متأثر از شرایط کوهستانی و ارتفاعات آن نواحی است؛ در جنوب، از پهنه‌ی وسیع آب‌های دریای عمان متأثر است. (ریاحی فر، ۱۳۸۰: ۲۴-۲۶)

این سه عامل، یعنی کویر لوت، کوهستان و دریای عمان، بر اقلیم بلوچستان تأثیر مستقیم گذاشته‌اند و این عوامل به نوبه‌ی خود در چگونگی معماری نقاط مختلف و انتخاب سبک غالب معماری در مناطق اقلیمی مختلف، دخیل بوده است.



تصویر شماره ۱: الف: نقشه‌ی استان سیستان و بلوچستان، ب: نقشه‌ی مناطق مورد مطالعه در استان (محمودی)

تنوع مساجد مورد مطالعه از نظر پلان

یکی از بارزترین جلوه‌های فرهنگ اسلامی که می‌توان در تمام سرزمین بلوچستان از روستاهای کوچک گرفته تا شهرهای بزرگ، بدان اشاره کرد؛ ساخت مسجد است. با توجه به شرایط اقتصادی نامناسب بلوچستان، ساختن مسجد یکی از مهم‌ترین رفتارهای دینی به حساب می‌آید و مسجد جایگاه ویژه‌ای در میان مردم دارد؛ به نحوی که گاه مسجدی بزرگ و زیبا در روستایی کوچک واقع شده است. نمونه‌های مورد مطالعه از مناطق ساحلی دریای عمان، بخش‌های مرکزی مانند نیکشهر و ایرانشهر و همچنین نمونه‌های اندکی از مناطق شمالی بلوچستان، برای این مطالعه گزینش شده‌اند.

همان گونه که گفته شد، از نظر مصالح و شیوه ی ساخت، دو نوع مسجد خشتی سنتی و امروزی وجود دارند. مساجد خشتی و چینه‌ای، دارای مساحت اندک با پلانی ساده هستند و تقریباً تمام آن‌ها محرابی عمیق و کوتاه در دیوار رو به قبله دارند. همچنین در دو طرف محراب، طاقچه‌هایی کوتاه به صورت قرینه تعبیه شده که برای قرار دادن عودسوز و لوازم روشنایی استفاده می‌شوند. این محراب‌ها از بیرون به صورت نیم‌دایره‌ای برجسته دیده می‌شود. معماران معاصر در مساجد جدید نیز سعی می‌کنند این اصل را هم چنان بکار گیرند. البته پلان مساجد امروزی (با مصالح مدرن)، پیچیده و بزرگ‌تر است. مهم‌ترین نکته ی مورد توجه در این پلان‌ها، تزئینات و عناصر وابسته به آن‌ها است؛ در حالی که مساجد سنتی و قدیمی، فاقد هر گونه شاخصه ی مهم معماری هستند و تنها یک فضای ساده برای عبادت دارند.

تزئینات در معماری مساجد بلوچستان

مساجد خشتی و گلی، همان گونه که در بالا اشاره شد، دارای عناصر تزئینی اندکی هستند. عناصر تزئینی این مساجد، شامل منارچه‌های کوتاه بر روی چهار گوشه ی بنا، سقف و همچنین بر روی سردر ورودی است که علاوه بر جنبه ی تزئینی احتمالاً دارای مفاهیم نمادین و مذهبی نیز هستند. از دیگر شاخصه‌ی عمومی آن‌ها، دیواره‌ای کوتاه بردور حیاط است که در این منطقه ی گرمسیری با کوتاه بودن آن، مانع جریان هوا به درون حیاط نمی‌شود. (تصویر شماره ۲)



تصویر شماره ۲: مسجد رحمانیه روستای بازیگر از توابع شهرستان نیکشهر (محمودی)

مساجد دسته ی دوم، بر خلاف گونه ی اول، دارای تزئینات زیاد و زیبایی هستند که در این نوشتار، بیشتر روی آن‌ها تمرکز می‌شود؛ زیرا این مساجد از نظر ارتباطات فرهنگی

اهمیت دارند. در تقسیم بندی کلی می توان این عناصر تزئینی را به نقوش هندسی، اسلیمی، نقوش گیاهی، گل و بوته و همچنین منارچه های کوتاه و تزئینات کنگره مانند بر روی لبه ی بام مساجد طبقه بندی کرد.

در مساجد منطقه ی مورد مطالعه، سردر یا نمای ورودی مساجد، پر تزئین ترین بخش های مسجد است و در تزئین آن ها از انواع منارچه ها، شبه گنبدهای کوچک تخت، انواع واقسام رنگ ها با مفاهیم گوناگون، نقوش گیاهی، هندسی و اسلیمی استفاده شده است. این مساجد از نظر ساخت و زیباشناسی در حدّ اعلا قرار دارند.

دروازه یا سردر ورودی با یک سلسله طاق نما و قاب های آکنده از نقش مایه های گیاهی و گاه هندسی تزئین شده اند. در تزئین سردرها، بیشتر از گچبری منقور و منقوش و سیمان بری و رنگ استفاده شده است.

یکی دیگر از نقش مایه هایی که در نمونه های مورد مطالعه به وفور قابل مشاهده است، نقش هلال ماه و در برخی از موارد، هلال ماه به همراه نقش ستاره است. در برخی از مساجد، این نقش مایه به تعداد بسیار زیادی بکار رفته است و علامت نمادین "هلال و ستاره" علامت مورد تصدیق و تأیید شده ی اسلام است و بر روی اغلب مساجد ساخته شده در کشورهای مختلف خودنمایی می کند.

این نقش نیز بر روی پرچم خیلی از کشورهای اسلامی نظیر ترکیه، تونس، الجزایر، موریتانی، آذربایجان، پاکستان و... مشاهده می شود که مفهوم نمادین آن، اسلام است. (تصویر شماره ۳)

مساجد بلوچستان از نظر نقش مایه، محل ایجاد نقوش و به خصوص ایجاد نقوش گیاهی درون لچکی ها و همچنین قاب های محصورکننده اطراف سردر بسیار مشابه نمونه های شبه قاره هستند. (تصویر شماره ۴)



تصویر شماره ۳: نقش ماه و ستاره در تزئینات مساجد (محمودی)

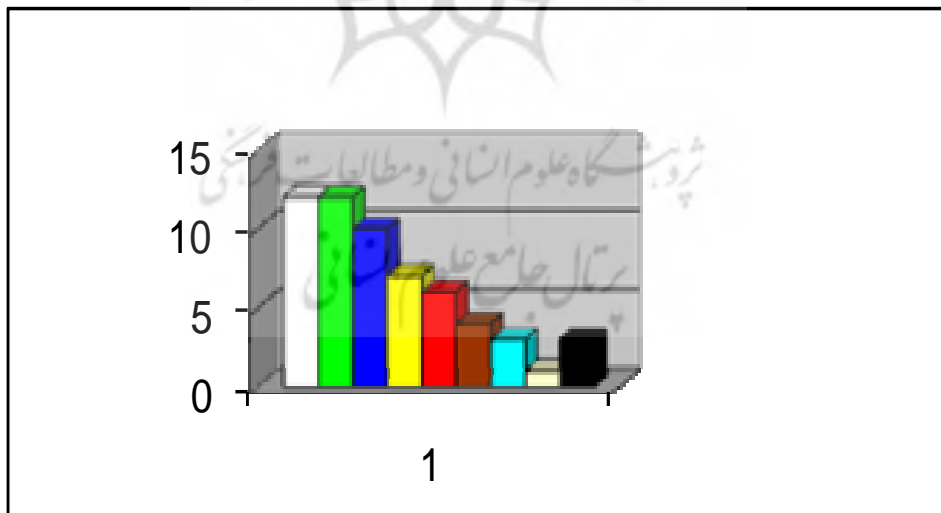


تصویر شماره ۴: مقایسه تزئینات ورودی تاج محل با مسجد شهدا (محمودی)

با توجه به مطالعات انجام شده در تزئین مساجد دسته ی دوم، از رنگ بیشتر از سایر مصالح تزئینی استفاده شده است. رنگ‌های مورد استفاده شامل؛ قرمز، آبی، سبز، قهوه‌ای، سفید و ... است.

در مساجد منطقه ی مورد مطالعه، رنگ را در فضای داخلی و خارجی با اصول معینی که ریشه در اشتراکات فرهنگی و مذهبی دو منطقه داشته، به کار می‌برده اند. با توجه به برآوردها و نمودار تهیه شده، مشخص شد که بیشترین ماده ی مورد استفاده برای آرایش مساجد، رنگ بوده که نمودارهای تهیه شده گویای برخورداری از رنگ‌های مختلف در

آرایش مساجد است. (نمودار ۱) در سرزمین شبه قاره در ادوار مختلف اسلامی و حتی حال حاضر، رنگ و استفاده از مصالح رنگی کاربرد فراوانی داشته است. به نظر می‌رسد در منطقه ی بلوچستان، به دو منظور از رنگ استفاده شده: کاربرد رنگ به منزله ی عنصری نمادین، روانی و مفهومی و همچنین استفاده از آن به دلیل کمبود مصالحی چون ماسه سنگ قرمز و سنگ مرمر سفید و سایر مصالح رنگین که در معماری شبه‌قاره به وفور به کار رفته‌اند. معماران بلوچستان از رنگ برای جایگزین کردن مصالح رنگین طبیعی، استفاده کرده‌اند. رنگ در سطوح داخلی و خارجی ابنیه و آثار معماری بویژه در دوران اسلامی، برای عنصر تزئینی درآرایش و زینت بناها به کار می‌رود. در فرهنگ‌های مختلف، رنگ‌ها معانی متفاوتی دارند. "استفاده از رنگ در تزئین آثار هنری به وسیله ی هنرمند، در واقع به مفهوم داشتن ارتباط قوی با طبیعت است. هنرمند با الهام از طبیعت اطراف خود، نظمی خاص ایجاد می‌کند که باعث آرامش ذهن و احساس حالتی روحانی و نمادی می‌شود." (رمضان زاده، ۱۳۷۲: ۶) به‌کارگیری عنصررنگ در آثار معماری و تزئینات وابسته به آن، بخشی از رفتارهای فرهنگی است که خود تابع عوامل گوناگونی مانند فرهنگ و سنن بوده و از ارزشی روحانی و مذهبی مشترک سرچشمه می‌گیرد. (طالشی، ۱۳۸۸: ۳۲)



نمودار شماره ۱- رنگ های استفاده شده در مساجد جدید (محمودی)

تزئیناتی شامل نقوش گل و بوته، هندسی و اسلیمی است که در ورودی‌ها، نمای رو به حیاط مساجد و همچنین ورودی شبستان‌ها به کار رفته‌اند. این تزئینات در لچکی‌های قاب‌بندی شده به صورت گچ بری‌های منقور و منقوش استفاده شده‌اند. از دیگر تزئیناتی که در نمونه‌های مطالعه شده به وفور مشاهده شد، کنگره‌های تزئینی تخت بر لبه ی بام بناها است. با توجه به آمارهای تهیه شده، در ۱۵ درصد از مساجد از این کنگره‌ها استفاده شده است.

تیموریان هند و سبک معماری

تیموریان هند (۹۳۳-۱۲۷۵/۱۵۲۶-۱۸۵۸)، معروفترین و قدرتمندترین امپراتوری مسلمانان را در هند تأسیس کردند. فرمانروایان مشهور این امپراتوری، علاوه بر بابر که بنیانگذار بود، همایون، اکبر، شاه جهان، جهانگیر و اورنگ‌زیب بودند که هر کدام در هنر و ادبیات یدی طولانی داشتند. بناهای ساخته شده در دوران این شاهان به ویژه بنای یادبود و شکوهمند تاج محل، نماد دوران اسلامی هند است. سبک معماری این دوره در ابتدا، تحت تأثیر معماری نجد ایران بود؛ اما با گذشت مدتی، تیموریان سبکی ویژه و مختص به خود ابداع کردند. دوران فرمانروایی آن‌ها "از بزرگترین، غنی‌ترین و طولانی‌ترین سلسله‌های اسلامی در هند است... بابر (۹۳۳-۹۳۷/۱۵۲۶-۱۵۳۰) مؤسس این سلسله، یکی از ترکان جغتایی بود که از طرف پدری به تیمور و از طرف مادری به چنگیزخان نسب داشت." (بلرو بلوم، ۱۳۸۱: ۶۹۷-۶۹۵) از زمان او و جانشینانش بناهای بسیار باشکوهی در سرزمین‌های شبه‌قاره هند بر جای مانده است که از زیباترین مساجد جهان هستند. مقبره ی تاج محل و نیز مسجد جامع (پادشاهی) در دهلی و قرینه ی بسیار زیبای آن در لاهور پاکستان، شهرت جهانی دارند. معماری این دوره نسبت به دوره‌های گذشته از غنای بالایی برخوردار است. (سید صدر، ۱۳۸۰: ۶۳) در زمان تیموریان هند "سبکی ظریف و متمایز در معماری پدید آمد. در این سبک، سنت‌های بومی معماری هند و اسلامی با اشکال و فنون ملهم از ایران و آسیای میانه ترکیب شد. سبکی ترکیبی مشابهی هم- ملهم از سنت‌های محلی و ایرانی- در شبه جزیره ی دکن نیز پدید آمد. به طور کلی حجم‌بندی صلب و سه بعدی عمارات پیشین سلطنت هند، راه را

برای نوعی رویکرد خطی گشود که در آن سطوح تخت به قاب‌هایی تقسیم می‌شد. سنگ، بویژه ماسه سنگ قرمز و مرمر سفید به جای آجر و کاشی ایام پیشین نشست؛ لیکن کاربست رنگ بر اثر صیقل عالی و پرداخت چشمگیر محدود شد. "بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۶۹۸) اشکال جدیدی چون قوس‌های بیضی شکل و گنبد پیازی شکل (سوزان، ۱۳۸۳: ۵۶۵-۵۵۵) از ویژگی‌های اصلی سبک معماری تیموریان هند شد.

با توجه به مطالعات انجام شده در بلوچستان ایران و سپس مقایسه موردی بناها، مشخص شد که این شیوه‌ی معماری در حجمی کوچک‌تر و با اندکی تغییرات در منطقه‌ی مورد مطالعه (بلوچستان ایران) مورد تقلید واقع شده است. اینک به منظور تأیید این فرضیه، نمونه‌هایی از هر دو منطقه با یکدیگر مقایسه می‌شود.

مقایسه‌ی سبکی و ریشه‌یابی برخی از عناصر تزئینی

اشاره به پیشینه‌ی ارتباطات این دو منطقه در دوره‌های پیش از اسلام، به فهم بیشتر موضوع کمک می‌کند. یکی از مسائل مهم در زمینه‌ی روابط بین سرزمین ایران و بخش‌هایی از پاکستان (مانند سند و پنجاب و بلوچستان)، وجود راه‌های ارتباطی است که در دوران کهن، مراکز اصلی تمدن‌های پیش از تاریخ را به یکدیگر وصل می‌کرد. ارتباط بین دو سرزمین از طریق همین راه‌ها، تا دوران بعد نیز ادامه پیدا کرد. «اهمیت این راه‌ها بخصوص طی هزاره‌ی چهارم تا پایان هزاره‌ی دوم پ.م. بود؛ زیرا که مهم‌ترین راه مواصلاتی تمدن‌های جهان باستان در دره‌ی سند، دشت خوزستان (تمدن ایلام) و بین‌النهرین جنوبی (تمدن سومر) و بین‌النهرین مرکزی (تمدن بابلی) قرار داشت». (امیری، ۱۳۷۸: ۳۹) (تصویر شماره ۵) به نظر می‌رسد دلایل سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، قومی و... باعث برخی اشتراکات فرهنگی از پیش از تاریخ شده باشد. احتمالاً این دلایل برای فهم اشتراکات سده‌های اخیر نیز صادق است و البته باید در این زمینه به غیر از مسائل ذکر شده، عنصر مهم و اساسی مذهب را نیز دخیل کرد. همچنین "انتقال فرهنگ ایران به پاکستان و ارتباط متقابل با ورود اسلام به پاکستان به وسیله‌ی ایرانیان مسلمان، باعث شد فرهنگ ایران اسلامی از طریق زبان و ادب فارسی، ارتباط معنوی و عاطفی بیشتری بین این دو کشور ایجاد نماید." (توسلی، ۱۳۷۸: ۳۷)



تصویر شماره ۵، مسیر ارتباطی حوزه ی جنوب و جنوب شرق ایران با سرزمین های همسایه
(Karlovsky and Tosi, 1973, p 28)

لازم به ذکر است، هنگامی که از اشتراکات سخن به میان می آید، نه تنها معماری که بسیاری از جنبه های فرهنگی دیگر را نیز شامل می شود. در مورد معماری همانگونه که در ادامه آمده، می توان ادعا کرد که این اشتراک نوعی تقلید و تأثیر پذیری است که از نظر هنری، تاریخی و عظمت با نمونه ی اصلی قابل مقایسه نیستند و هیچ گاه به همان میزان، دارای ظرافت هنری و شکوه معماری نیستند.

مناره های مساجد بلوچستان از نظر فرم

انواع مناره هایی که در مساجد منطقه ی مورد مطالعه به کار رفته است، به دو گونه تقسیم می شوند:

الف) مناره های چندضلعی و ضخیم که تنه ی اغلب آن ها از نوع هشت ضلعی است و در مواردی هم مناره ها از یک یا چند نعلبکی پیش زده روی دستک ها استفاده کرده اند، مثلاً مسجد تیس که مناره ی آن قابل مقایسه با مناره ی هشت ضلعی آرامگاه جهانگیر در شهر لاهور است. در برخی از مساجد امپراطوری مغول (مسجد جمعه دهلی، مسجد پادشاهی لاهور) مناره ها در چهارگوشه ی شبستان اصلی قرار گرفته اند تا تأکیدی بر چهارکنج آن باشند. نمای شمالی آن ها در حیاط پیش آمده است و همین ادامه ی منطقی، بیانگر کارکرد آن ها به مثابه ی نشان است. در مسجد پادشاهی لاهور، مناره های بیشتر و بزرگتری و هشت

ضلعی‌های باریک شونده‌ی چند طبقه‌ای، مشخص‌کننده‌ی گوشه‌های خارجی مسجد هستند. در هند نیز همانند نمونه‌های ایرانی، مناره‌ها غالباً در طرفین ورودی قرار می‌گرفتند، هرچند که نظام تناسب‌ها، که در ایران بین سردر و مناره‌ها به خوبی حاصل شده بود، در هند نیز نادیده گرفته می‌شد. "هیلن براند، ۱۳۸۷: ۱۶۱-۱۶۳)

ب) مناره‌های استوانه‌ای بلند و نازک که در اغلب مساجد منطقه‌ی مورد مطالعه، از این گونه مناره‌ها استفاده شده‌است، عملکرد آن‌ها را در این حالت، به مثابه‌ی ابزاری برای مفصل بندی نشان می‌دهد و آن را از هر نوع هدف عبادی دور می‌کند؛ ولی به نقش سستی آن (مناره)، به منزله‌ی شاخص، اهمیت بیشتری می‌دهد. "این نوع مناره در بعضی موارد احتمالاً ضمن حفظ پسمانده‌ی مفهوم مذهبی خود، در درجه‌ی اول برای ابزاری به منظور مفصل بندی استفاده می‌شده‌است. علاوه بر آن معمولاً به این منارک‌ها، گلدسته می‌گویند تا مناره" (همان: ۱۶۰) که در مساجد منطقه‌ی مورد مطالعه هم مناره دقیقاً همین نقش را ایفا می‌کند. (تصویر شماره ۶)



(۲)



(۱)



(۳)

- (۱) مسجد طیس چابهار
(۲) مسجد اسلام آباد کنارک
(۳) آرامگاه جهانگیر در لاهور پاکستان

تصویر شماره ۶: مقایسه مناره مساجد طیس و کنارک با آرامگاه جهانگیر (محمودی)



(۱) مسجد طیس چاهپار (۲) موتی مسجد در دهلی

تصویر شماره ۷: مقایسه گنبد پیازی ترکین مسجد طیس و موتی دهلی (محمودی)

شیوه ی ساخت گنبد

گنبدهایی که در مساجد منطقه مورد مطالعه قرار گرفته است به دو گونه تقسیم می شوند

الف) گنبد پیازی: "گنبد موسوم به گنبد پیازی، اهمیت خود را فقط در ایران و در حوالی قرن شانزدهم میلادی به دست آورد و آن زمانی است که اسلام به هند راه یافت. قسمت برآمده از طریق بسترهای افقی صورت می گیرد و یک حلقه زنجیری، آن را به حال خود نگه می دارد و گنبد اصلی فقط در لحظه ای شروع می شود که حالت برآمدگی به اتمام می رسد." (شوازی، ۱۳۸۳: ۴۳۱) این نوع گنبد که در غالب مساجد منطقه برای گنبد زنی از آن استفاده کرده اند، قابل مقایسه با نمونه های متعددی در معماری دوره ی تیموریان بزرگ هند، از جمله آرامگاه صفدر جنگ در شهر دهلی است.

ب) گنبد ترکین پیازی: این گونه که همانند گنبد پیازی است. وجه تمایز آن با گونه ی پیازی فقط در ترک های ایجاد شده بر روی گنبد است. نمونه ی این نوع گنبد را می توان در مساجد تیس، گوردهان، خاتم الانبیای چاهان و مسجد هیت مشاهده کرد که قابل مقایسه با گنبد موتی مسجد در شهر دهلی است. این بنا متعلق به دوره ی تیموریان هند است. (همان: ۴۳۲) (تصویر شماره ۷)

نتیجه

برآیند حاصل از انجام مطالعات میدانی و نیز مطالعات کتابخانه‌ای، نشان می‌دهد که مساجد بلوچستان قدمت زیادی از نظر باستان‌شناسی ندارند؛ ولی نکته‌ی مورد توجه در عناصر وابسته به معماری آن‌ها، بررسی و مطالعه موتیف‌ها و نقش‌مایه‌های بکار رفته در مساجد بود که حاکی از تداوم آن‌ها از سده‌های میانی دوره‌ی اسلامی تا امروز بوده است. همچنین، وجود این مشابهت‌ها تداوم ارتباطات فرهنگی منطقه‌ای در دوره اسلامی بین منطقه‌ی جنوب شرق ایران و شبه قاره هند را نشان می‌دهد. داده‌های تاریخی نیز تأییدی بر ارتباطات فرهنگی قوی در دوره‌ی اسلامی در زمان تیموریان بزرگ هند با ایران و به تبع آن جنوب شرقی ایران است.

به غیر از آرایه‌ها و نقش مایه‌ها، گندها و مناره‌های مساجد بلوچستان کاملاً الگو برداری از مساجد شبه قاره هند است و معماران سعی کرده‌اند که با این روش، ارتباطات فرهنگی خود را که از دوره‌های قبل در منطقه مشهود است، همچنان حفظ کنند. یکی از دلایل این تأثیر پذیری فرهنگی را می‌توان نزدیکی جنوب شرق ایران به مناطق شرقی و شبه قاره‌ی هند دانست که خود عاملی مهم، در همسانی عناصر تزئینی و اشتراکات معماری بوده‌اند. کشف این مشابهت‌ها با نگاهی به موقعیت قرار گیری مناطق نسبت به هم و همچنین پیشینه‌ی ارتباطی آن‌ها، در نهایت منجر به درک تأثیرگذاری معماری اصیل ایرانی بر مناطق همجوار در سده‌های میانی دوره‌ی اسلامی و سپس تأثیر پذیری فرهنگ و معماری بلوچستان ایران از شیوه‌ی استقلال یافته دوره‌ی تیموری هند شده است.

منابع

- ۱- حوقل، صورت الارض، ترجمه ی جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
- ۲- امیری، کیومرث، زبان و ادب فارسی در هند، تهران: انتشارات شورای گسترش زبان و ادب فارسی، ۱۳۷۸.
- ۳- بلر، شیلا و بلوم، جانانان، هنر و معماری اسلامی (۲)، ترجمه ی یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۴- بی نام، حدود العالم من المشرق الی المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۸۲.
- ۵- توسلی، محمد مهدی، پیوستگی های فرهنگی در منطقه ی آسیا از دیدگاه باستان شناسی (ایران- پاکستان- هند)، اسلام آباد: منزا پریس، ۱۳۷۸.
- ۶- رضانی زاده، جعفر، روابط فرهنگی شرق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲.
- ۷- ریاحی فر، طرح پژوهشی اقلیم و گردشگری در استان سیستان و بلوچستان، سازمان هواشناسی کشور، چاپ نشده، ۱۳۸۰.
- ۸- سایکس، سرپرسی مولس ورث، تاریخ ایران، ترجمه ی محمد تقی فخر داعی گیلانی، جلد دوم، تهران: نشر افسون، ۱۳۸۰.
- ۹- سید سجادی، سید منصور، باستان شناسی و تاریخ بلوچستان، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۰- سوزان، حبیب، رنگ در فرهنگ و معماری ایران، مجموعه مقالات دومین کنگره ی تاریخ معماری و شهرسازی، ارگ بم- کرمان، ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۳.
- ۱۱- سید صدر، سید ابو القاسم، معماری، رنگ و انسان، تهران: آثار اندیشه، ۱۳۸۰.
- ۱۲- شوازی، آگوست، تاریخ معماری، ترجمه لطیف ابوالقاسمی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳.
- ۱۳- صنیع الدوله، محمد حسن خان (اعتماد السلطنه)، مرآت البلدان، به کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

- ۱۴- علی طالشی، بهزاد، بررسی باستان شناختی بخش مرکزی شهرستان کنارک، چاپ نشده، محفوظ در آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان، زاهدان، ۱۳۸۸.
- ۱۵- محمودی، محمد کاظم، مطالعه ی تزئینات موجود در مساجد بلوچستان و ریشه یابی عناصر آنان، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۰.
- ۱۶- مستوفی، حمدالله، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ اول، قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۱.
- ۱۷- مقدسی، محمد بن احمد شمس الدین، احسن التواریخ فی معرفه الاقالیم، ترجمه علی منزوی، تهران، ۱۳۴۵.
- ۱۸- هیلن براند، روبرت، معماری اسلامی، شکل، کارکرد و معنی، ترجمه ی باقر آیت الله شیرازی، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۸۵.

19. Karlovsky, Lamberge, C.C. and M. Tosi. **Shahr-i Sokhte and Tepe Yahya**: Tracks on the earliest history of the Iranian Plateau, East and West. 1973.

References

- 1-Amiri, K. **Zaban va Adab-e Farsi dar Inde**. Tehran, Persian Language publication, 1999.
- 2-Blair, Sheila S, and Janathan, M.Bloom. **Honar va Mi'māri-y Islami**. Translated to Persian by Ya'goob Azhand, Tehran, Samt publication, 2002.
- 3-Choisy, Auguste. **Tārikh-e Mi'māri**, Translated to Persian by L. Abolgasemi, Second Print, Tehran, Tehran University Publication, 2004.
- 4-beita. **Hodud-ol-Alan men al-Mashreq al-Maqreb**. with the Endeavour of Manuchehr Sottude, Tehran, Tahuri Publication, 2003.
- 5-Hillenbrand, Robert. **Mi'māri-y Islami: Shekl, Kār kard va manā**. Translated to Persian by B. A. Shirazi, Tehran, Rouzana Publication, 2006.
- 6-Ibn Hawqal, M.A.Q. **Surat al-Ard**, (The face of the Earth), Translated by A. Shoar, Teheran, Bonyad-e Farhang-e Iran, 1966.
- 7-Karlovsky, Lamberge, C.C. and M. Tosi. **Shahr-i Sokhte and Tepe Yahya**: Tracks on the earliest history of the Iranian Plateau, East and West, 1973.

8-Mahmoudi, M.K. **Motale Tzinat-e Masajed-e Baluchestan va rishe yabiy-e anasore Anan**. Thesis of M.A in archeology, Sistan & Baluchistan University, 2012.

9-Mostowfi, H. **Nozhat ol Gholub**. M.D.Siyagi, Qazvin, Hadis-e Emroz,2002.

10-Muqaddasi,M.A.S. **Ahsan al-taqāsīm fi Ma'rifat al- aqālīm**, translated by A. Monzavi, Tehran,1966.

11-Ramazani zade, Jafar. **Ravabete farhangy-e Sharge Iran**. (cultural relations of east of Iran) Thesis of M.A in archeology, Tarbiat-e-Modarres University, 1993.

12-Riyahi far. **Tarhe pajoheshy-e Eglīm va gardesh gari dar ostane Sistan and Baluchistan**. I.R. of Iran Meteorological Organization, 2001.

13- S. Sadr, S.A. **Mi'mārī, Rang va Ensân**, Tehran, Asar-e-andishe, 2009.

14-S. Sajjadi, S. M. **Bastanshenasi va Târikh-e Baluchistan**. Cultural Heritage, Teheran, 1995.

15-Sani-al Dowleh, M.H.(Etemad al-Saltaneh) **Morat al-Boldan**. with the Endeavour of A.H.Navaii and M.H.Mohades,Tehran, Tehran University Publication,1988.

16-Suzan, Habib. **Rang dar Farhang va Mi'mārī-y Iran**. Congress on History of Iran's architecture and urbanism in Bam, Kerman .Vol. 5. Tehran: Cultural Heritage, Handcrafts and Tourism Organization, 2004.

17-Sykes, S.P.M. **Târikh-e Iran**, Translated to Persian by M.T.F. Daii Gilani, Second Print, Tehran: Afsun Publication, 2001.

18-Taleshi B. A. **Barrasiy-e Bastanshenakhtiy-e Bakhsh Markaziy -e Konarak**. kept in the archive of The Organization of Cultural Heritage, Hand-craft, and Tourism of Sistan and Baluchistan Province in Zahedan, 2009.

19-Tavassoli M. M. **Peyvastegi-e Farhangi dar mantagey-e Asia as didgah-e Bastanshenasi** (Iran, Pakistan va India), Islamabad Monza press, 1999.